

مدیریت مالی برای مدیران غیر مالی

مصطفی رحیمی

مباحث

- ▶ کلیات، مفاهیم و تبیین نقش اطلاعات مالی در تصمیم گیری
- ▶ تبیین جامع وظایف مدیریت مالی
- ▶ تبیین جامع انواع تصمیمات مالی
- ▶ تبیین جامع تحلیل گری مالی و کارکردهای آن
- ▶ تبیین مفهوم برنامه ریزی سود و تحلیل و تبیین رویکرد C.V.P و تکنیک نقطه سربسر (B.E.P)
- ▶ بودجه بندی سرمایه ای (روشها و کاربردها)

قلمرو و کلیات مدیریت مالی

امروزه قلمرو مدیریت مالی از عرصه بنگاههای اقتصادی فراتر رفته است و در سطح جامعه نیز مطرح شده و در قبال آن، مسئولیت یافته است. بدین معنی که مسئولیت اجتماعی نیز در قلمرو مدیریت مالی وارد گردیده است. در سطح بنگاه ها قلمرو مدیریت مالی از تأمین کسب سود برای سرمایه گذاران و سهامداران گامی فراتر نهاده است و هدف به **حداکثر رساندن ثروت** سهامداران و اتخاذ تصمیمات بلندمدت و استراتژیک، **جایگزین حداکثر نمودن سود**، شده است. زیرا تداوم فعالیت واحدهای انتفاعی، بر کسب سود بالا و مقطعی، تقدم یافته است.

وظایف عام مدیریت مالی

با توجه به جایگاه مدیریت مالی در ساختار سازمانی واحدهای انتفاعی، مدیر مالی همانند سایر مدیران، مجموعه ای از وظایف را بر عهده می گیرد، این وظایف عام عبارتند از:

1. برنامه ریزی
2. سازماندهی
3. هدایت و رهبری
4. کنترل

وظایف خاص مدیریت مالی

مدیر مالی در قلمرو خود متولی اجراء و انجام وظایفی در خصوص مسایل مالی می باشد که تنها بر عهده او واگذار شده است. از جمله این وظایف، اتخاذ تصمیمات در سه حوزه اصلی به شرح زیر است:

۱. تصمیمات سرمایه گذاری؛

۲. تصمیمات تأمین مالی؛

۳. تصمیمات مربوط به سیاست های تقسیم سود.

اخذ تصمیم در حوزه های یاد شده، به نوبه خود مستلزم اتخاذ تصمیماتی خاص و انجام وظایف مشخصی است که می توان آن را به عنوان وظایف و فعالیت های خاص تلقی و طبقه بندی نمود.

تحلیل گری مالی

تحلیل گری مالی عبارت است از شیوه ای که برای استفاده کنندگان اطلاعات مالی این امکان را فراهم کند تا هنگام تصمیم گیری برای مقاصد اقتصادی به اطلاعاتی، آن هم به شکلی خاص، دست یابند که از طریق سیستم اطلاعات موجود، امکان دسترسی به آنها وجود ندارد. بنابراین، مهارتی است حرفه ای، تا به شکل منطقی اطلاعات لازم برای تصمیم گیری فراهم شود. از طرفی، وجود اقلام و ارقام مفصل در صورت های مالی این ضرورت را موجب شده است تا با انجام تحلیل گری مالی، اعداد و اقلام به شکل خلاصه شده تحلیل و تفسیر شوند و امکان بهره برداری از آنها افزایش یابد.

منابع اصلی تحلیل گری مالی، گزارش های مالی هستند .

گزارش های مالی

- هر گزارشی که مشتمل بر صورت های مالی باشد یا بخش عمده آن را صورتهای مالی تشکیل دهد یا متکی و منظم به صورتهای مالی باشد، گزارش مالی محسوب می شود.

ترازنامه (صورت وضعیت مالی)

- ترازنامه از صورتهای مالی اساسی است، که وضعیت مالی واحد انتفاعی شامل دارایی ها، بدهی ها و حقوق صاحبان را در یک تاریخ معین نشان می دهد.

مشخصه اصلی ترازنامه توازن بین دارایی ها از یک طرف
با بدهی ها و حقوق صاحبان از طرف دیگر می باشد:

دارایی ها = بدهی ها + حقوق صاحبان سهام (سرمایه)

به رابطه یاد شده معادله حسابداری گفته می شود که مدل حسابداری را نیز نشان
می دهد. عناصر اصلی این مدل عبارت است از دارایی ها از یک طرف و
حقوق مالی اشخاص بر این دارایی ها که شامل بستانکاران (بدهی ها)،
صاحبان واحد انتفاعی (حقوق صاحبان سهام)، در طرف دیگر

۱- دارایی ها

اموال و حقوقی که منافع آتی قابل تقویم به پول دارند و بر اثر معاملات، عملیات یا رویدادهای مشخص به مالکیت یا تسلط مالکانه یک واحد در آمده اند، دارایی آن واحد محسوب می شوند.

شرایط شناسایی دارایی به شرح زیر است:

- وجود منافع آتی قابل تقویم به پول

- مالکیت یا تسلط مالکانه

اقلام تشکیل دهنده دارایی ها

این اقلام را بر حسب دوره زمانی می توان به دو دسته اصلی زیر طبقه بندی نمود:

الف - دارایی های جاری: دارایی های جاری عبارت است از موجودی نقد و سایر اقلامی که انتظار می رود در جریان عادی عملیات یک واحد انتفاعی طی یکسال از تاریخ ترازنامه به نقد تبدیل شوند، به فروش یا به مصرف برسند. مهمترین آنها عبارتند از: موجودی صندوق، بانک و تنخواه گردان (به عنوان وجه نقد)، بدهکاران (حسابهای دریافتنی)، اسناد دریافتنی موجودی ها اعم از موجودی مواد خام و نیمه ساخته (کار در جریان ساخت) و ساخته شده، ملزومات، پیش پرداختها و سفارشات کالا، ...

ب - دارایی های غیر جاری: دارایی های غیر از دارایی های جاری در این گروه قرار داد که خود به سه دسته تقسیم می شود:

ب - ۱- دارایی های ثابت: دارایی های ثابت عبارت است از اموال مشهود قابل لمس، فیزیکی و بادوامی که به قصد نگهداری و استفاده بلندمدت خریداری شده و در عملیات عادی یک واحد انتفاعی مورد استفاده قرار می گیرند و عمر نسبتاً طولانی معمولاً بیشتر از یکسال دارند و دسته ای از آنها در جریان استفاده، کارایی خود را از دست نمی دهند، یعنی استهلاک پذیر نیستند نظیر زمین و گروه دیگر در جریان استفاده، کارایی خود را از دست می دهند، یعنی استهلاک پذیر هستند نظیر ساختمان و تأسیسات، ماشین آلات و ابزارآلات، اثاثیه و منصوبات، وسایط نقلیه و ... این گروه از دارایی ها، تحت عنوان اموال، ماشین آلات و تجهیزات نیز در ترازنامه بعضی از واحدهای اقتصادی ثبت می شود.

ب - ۲- دارایی های نامشهود: این دارایی ها، عبارتست از دارایی ها بلندمدت که از نظر فیزیکی موجودیت معینی ندارند، قابل لمس نیستند، برای فروش خریداری نمی شوند و معمولاً در عملیات مؤسسه مورد استفاده می گیرند و به نوعی در عملیات عادی مؤسسه نقش دارند و به مرور زمان نیز مستهلک می شوند، مهمترین اقلام این گروه عبارتند از حق اختراع، حق امتیاز، سرقتی محل، علایم تجاری، حق امتیاز بهره برداری، ...

ب - ۳- سایر دارایی ها: جهت افشای کامل اطلاعات، گروهی از دارایی ها بلندمدت که ماهیتی نسبتاً متفاوت از اموال و دارایی های نامشهود دارند و به عبارتی دیگر در بعضی ویژگی ها نظیر بلندمدت بودن، شبیه اموال هستند و در بعضی ویژگیها، نظیر غیرقابل لمس و مشهود نبودن شبیه دارایی های نامشهود هستند، در گروه دیگر، تحت عنوان سایر دارایی ها طبقه بندی می گردند. در حقیقت حقوق مالی و احد انتفاعی تلقی می شوند، نظیر سرمایه گذاری در سایر شرکت ها، سپرده های دریافتی بلندمدت، حق الامتیازها، حق الانشعاب، هزینه های انتفاعی به دوره بعد، اموال بلااستفاده و نظایر اینها.

۲- بدهی ها

▶ تعهدات ناشی از قراردادهای و تعهداتی که بر اثر الزامات خارج از قرارداد یا الزامات قانونی در گذشته برای یک واحد انتفاعی پدید آمده اند و قاعداً از طریق انتقال وجه نقد یا سایر دارایی های واحد یا انجام دادن خدمت برای اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر و یا مراجع دولتی ایفاء می شوند، بدهی آن واحد محسوب می گردد.

بدهی ها که در حقیقت دیون یا تعهدات واحد انتفاعی هستند، بر حسب دوره زمانی به دو گروه اصلی زیر تقسیم می شوند:

الف - بدهی های جاری: دیون و تعهداتی است که انتظار می رود طی یکسال از تاریخ ترازنامه یعنی در یک دوره عادی عملیات، ترجیحاً از محل دارایی های جاری و یا ایجاد بدهی و تعهد دیگر تسویه شود و یا در پاره ای از مواقع، با فروش اموال واحد انتفاعی، پرداخت شود. مهمترین اقلام این گروه عبارتند از بستانکاران (حسابهای پرداختنی)، اسناد پرداختنی، پیش دریافتها، هزینه های پرداختنی، حصة جاری (سررسید جاری) وامها و تعهدات بلندمدت، مالیات و سود سهام پرداختنی، هزینه های معوق تحقق یافته، انواع هزینه ها و تعهدات پرداختنی نظیر حقوق و حق الزحمه پرداختنی، بیمه و عوارض قانونی پرداختنی، ذخایر قانونی پرداختنی، بهره های پرداختنی و ...

ب - بدهی های بلندمدت (غیرجاری): دیون و تعهداتی که معمولاً سررسید آنها پس از یکسال تاریخ ترازنامه است و انتظار نمی رود که سال بعد پرداخت و تسویه شوند. مهمترین اقلام این گروه عبارتند از وامهای بلندمدت، انواع تعهدات بلندمدت ناشی از فروش اوراق (نظیر اوراق قرضه)، وامهای رهنی، اسناد پرداختنی بلندمدت، ...

۳- سرمایه (حقوق صاحبان سهام)

حق مالی صاحب یا صاحبان یک واحد انتفاعی نسبت به دارایی های واحد است که مبلغ آن در هر زمان از طریق کسر کردن بدهی های واحد از دارایی های آن به دست می آید.

در شرکت های غیرسهامی، اقلام این گروه از عناصر مدل حسابداری عبارتند از حساب سرمایه شرکاء و در شرکتهای سهامی، با توجه به گستردگی عملیات آنها، اقلام عمده این گروه از عناصر مدل حسابداری عبارتند از حساب سرمایه (سهام)، اندوخته ها (قانونی، احتیاطی، توسعه و سرمایه گذاری)، سود (زیان) انباشته و سنواتی، صرف سهام .

صورت سود و زیان

- صورت سود و زیان، عبارت از صورتحسابی است که چگونگی و نتیجه فعالیتها و رویدادهای مالی یک واحد انتفاعی را در طی یک دوره مالی (برای یک دوره مالی) نشان می دهد و نتیجه این صورتحساب یا سود خالص است یا زیان خالص، که به ترازنامه در بخش حقوق صاحبان واحد انتفاعی منتقل می شود و عامل ارتباط بین این صورتهای مالی است.

۱- درآمد (فروش)

درآمد عبارت است ورود وجه نقد و دارایی های دیگر به یک واحد انتفاعی یا افزایش دارایی های موجود آن و یا تسویه و کاهش بدهی های یک واحد و یا ترکیبی از آنها که از فعالیت های اصلی یا جانبی آن واحد (به غیر از مبادلات سرمایه ای) ناشی شود.

درآمدهای عملیاتی، شامل آن دسته از درآمدهایی است که حاصل فعالیت و موضوع عملیات اصلی واحد انتفاعی بوده که بطور مستمر عاید می شود. در مقابل درآمدهای غیرعملیاتی عبارت است از درآمدهایی است که واحد انتفاعی از یک یا چند فعالیت جانبی و غیرمستمر به دست می آورد.

۲- هزینه

- هزینه عبارت است از خروج وجه نقد و دارایی های دیگر از یک واحد انتفاعی، یا مصرف و استهلاك دارایی های موجود آن یا افزایش بدهی های یک واحد و یا ترکیبی از آنها که در نتیجه اجرای فعالیت های اصلی یا جانبی آن واحد واقع شود.

۳- سود و زیان غیر عملیاتی

سود غیر عملیاتی، عبارت است از افزایش در سرمایه یک واحد انتفاعی که از معاملات اتفاقی یا جانبی، رویدادها یا تغییر در شرایط مؤثر بر آن واحد ناشی شود. مگر آن که در نتیجه سرمایه گذاری جدید صاحبان واحد ایجاد و یا به عنوان درآمد شناسایی شده باشد. زیان غیر عملیاتی عبارت است از کاهش در سرمایه یک واحد انتفاعی که از معاملات اتفاقی یا جانبی، رویدادها یا تغییر در شرایط مؤثر بر آن واحد ناشی شود. مگر آن که در نتیجه توزیع سود بین صاحبان سرمایه پدید آمده است و یا به عنوان هزینه شناسایی شده باشد.

در تجزیه و تحلیل صورتهای مالی با استفاده از نسبت های مالی، آگاهی از طبقه بندی و محاسبه انواع سودها بسیار ضروری است، نظیر سود ناویژه عملیاتی، سود ویژه عملیاتی، سود قبل از کسر بهره و مالیات (EBIT)، سود قبل از کسر مالیات (EBT) و سود بعد از کسر مالیات (سود خالص).

صورت گردش وجوه نقد

در تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، آگاهی از وضعیت و چگونگی ورود و خروج وجه نقد در یک دوره مالی، نیز ضروری است. زیرا تغییرات برخی اقلام ترازنامه متأثر از رویدادهای مالی است که از طریق صورت گردش وجوه نقد مشخص می گردد. در حقیقت، صورت گردش وجوه نقد، صورت منابع و مصارف نقد یک واحد انتفاعی است که چگونگی ورود و خروج وجه نقد ناشی از فعالیتهای عملیاتی، سرمایه گذاری و تأمین مالی را برای یک دوره مالی نشان می دهد.

تجزیه و تحلیل صورت های مالی

تحلیل و بررسی انواع گزارش های مالی، اساس تحلیل گری مالی است. گزارش های مالی به صورت های مختلف تهیه می گردد.

صورت های مالی اساسی به سه صورت مالی زیر طبقه بندی می شود:

- ترازنامه یا صورت وضعیت مالی

- صورت سود و زیان یا صورت عملکرد مالی

- صورت گردش وجوه نقد

در پاره ای از مواقع، با توجه به اهمیت ساختار حقوق صاحبان سهام، صورت های مالی دیگری که شکل گزارشی دارد، تحت عناوین:

- صورت حساب سرمایه (حقوق صاحبان سهام)

- گزارش تقسیم سود

در تجزیه و تحلیل صورت های مالی، موارد اساسی زیر باید مد نظر باشد:

- الف: شناخت انواع صورتهای مالی اساسی؛
- ب: شناخت عناصر و ماهیت هر یک از اقلام صورتهای مالی اساسی؛
- ج: آشنایی با نحوه گزارشگری و طبقه بندی صورتهای مالی اساسی؛
- د: آشنایی با نحوه ارتباط بین اقلام انواع صورتهای مالی اساسی با یکدیگر؛
- هـ: آشنایی با چگونگی استفاده از یادداشت های مالی و گزارش های مکمل؛
- و: آشنایی با روش های تجزیه و تحلیل صورت های مالی نظیر نسبت های مالی.

انواع نسبت های مالی

Liquidity Ratio

الف - نسبت های نقدینگی

Activity Ratios

ب - نسبت های فعالیت (کارایی)

ج - نسبت های اهرمی (بافت مالی)

Long-Term Debt and Solvency Ratios

Profitability Ratio

د - نسبت های سودآوری

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی با استفاده از نسبت های مالی

الف - تجزیه و تحلیل روند (Trend analysis)

ب - مقایسه با واحدهای انتفاعی (Comparison with others)

ج - متوسط صنعت

جدول زیر، مفروضات و اهداف دیدگاههای کلی تحلیل گری را تبیین می کند .

اهداف	اهمیت	دیدگاه
تعیین و سنجش توان پرداخت تعهدات کوتاه مدت	وجوه نقد، مدیریت دارایی ها و بدهی های کوتاه مدت و سرمایه در گردش	نقدینگی
اندازه گیری درجه کارایی استفاده از منابع	سنجش عملکرد، سنجش کارایی و اثر بخشی، تداوم فعالیت	فعالیت (کارایی)
سنجش ترکیب سهم سهامداران و بستانکاران در منابع، نحوه تأمین منابع مالی و سنجش توان پرداخت بهره	سرمایه گذاری، ترکیب ساختار مالی، هزینه تأمین مالی، سنجش ریسک تجاری، مالی و ورشکستگی، توان پرداخت بهره	اهرمی
اندازه گیری وضعیت سودآوری، بازدهی فروش و بازدهی دارایی ها	سودآوری، تداوم فعالیت، سنجش عملکرد اقتصادی، ارزش سهام، بازدهی فروش، بازده صاحبان سهام	سودآوری

الف - نسبت های نقدینگی

۱- نسبت جاری Current Ratio

دارایی های جاری

=نسبت جاری

های

بدهی
جاری

۲- نسبت سریع (آنی) Quick ratio

$$\text{نسبت سریع (آنی)} = \frac{\text{حسابهای دریافتنی} + \text{اوراق بهادار} + \text{دارایی های نقد}}{\text{بدهی های جاری}}$$

$$\text{یا} \quad \frac{\text{موجودی ها} - \text{دارایی های جاری}}{\text{بدهی های جاری}}$$

۳- نسبت نقد Cash ratio

$$\text{نسبت نقد} = \frac{\text{اوراق بهادار} + \text{موجودی نقدی}}{\text{بدهی های جاری}} \quad \text{یا} \quad \frac{\text{دارایی های نقد}}{\text{بدهی های جاری}}$$

هر چه این نسبت بزرگتر باشد سرعت پرداخت تعهدات کوتاه مدت بالاتر است.

۴- دوره وصول مطالبات

$$\text{دوره وصول مطالبات} = \frac{360 \times \text{حسابها و اسناد دریافتنی تجاری}}{\text{فروش اعتبار سالانه}}$$

۵- دوره پرداخت بدهی ها

$$\text{دوره پرداخت} = \frac{360 \times \text{حسابها و اسناد پرداختنی تجاری}}{\text{خریدهای اعتبار سالانه}}$$

۶- دوره نگهداری کالا (موجودی ها)

$$360 \times \text{موجودیها}$$

$$\text{متوسط دوره نگهداری} \\ \text{کالا (موجودیها)}$$

فروش خالص

هر چه این نسبت بزرگتر باشد یعنی مدت زمان آن بیشتر باشد، سرعت تبدیل به نقد شدن کمتر خواهد بود.

$$\text{متوسط دوره تبدیل به نقد شدن موجودیها (متوسط دوره عملیات)} \\ \text{متوسط دوره نگهداری کالا} + \text{متوسط دوره وصول مطالبات} =$$

۷- سرمایه در گردش

بدهی های جاری - دارایی های جاری = سرمایه در گردش خالص

ب - نسبت های فعالیت

با این نسبت ها، رابطه بین فروش و دارایی ها (منابع واحد انتفاعی) سنجیده می شود.

۱- نسبت گردش مجموع دارایی ها

فروش خالص

=نسبت گردش مجموع
داراییها

کل دارایی ها

۲- نسبت گردش دارایی جاری

$$\text{نسبت گردش دارایی جاری} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{دارایی های جاری}}$$

۳- گردش موجودی کالا (موجودیها)

بهای تمام شده کالای فروش رفته

= گردش موجودی کالا

موجودی کالا

فروش خالص

= گردش موجودی کالا

موجودی کالا

۴- گردش حسابهای دریافتنی

$$\begin{array}{rcl} & \text{فروش خالص} & \\ \text{= گردش حسابهای} & \text{-----} & \\ \text{دریافتنی} & \text{حسابها و اسناد دریافتنی} & \end{array}$$

۵- نسبت گردش دارایی های ثابت

$$\text{نسبت گردش دارایی های ثابت} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{دارایی های ثابت}}$$

ج - نسبت های اهرمی (بافت مالی)

▶ به این نسبتها، نسبتهای سرمایه گذاری یا نسبت های بدهی بلندمدت یا نسبت های ساختار مالی نیز گفته می شود.

۱- نسبت کل بدهی

$$\text{نسبت کل بدهی} = \frac{\text{متوسط کل بدهی ها}}{\text{متوسط حقوق صاحبان}}$$

هر چه این نسبت بزرگتر باشد بدین مفهوم است که سهم دیگران از مالکان در تأمین منابع مالی بیشتر است.

۲- نسبت بدهی

پایین بودن این نسبت، ریسک عدم پرداخت بدهی را در زمان ورشکستگی کاهش می دهد، به همین دلیل مورد علاقه طلبکاران است.

$$\text{نسبت بدهی} = \frac{\text{کل بدهی}}{\text{کل دارایی ها}}$$

۳- نسبت بدهی به ارزش بازار سهام

$$\text{نسبت بدهی به ارزش بازار سهام} = \frac{\text{بدهی ها به ارزش دفتری}}{\text{ارزش بازار سهام}}$$

افزایش این نسبتها، توأم را بالا رفتن، دو نوع ریسک به شرح زیر است:

- ریسک مالی

این ریسک از وجود هزینه ثابت بهره ناشی می شوند.

- ریسک ورشکستگی

این ریسک از احتمال عدم توانایی پرداخت اصل و فرع بدهی ناشی می شود.

۴- نسبت های پوشش بهره

$$\text{نسبت پوشش هزینه بهره (دفعات واریز سود تضمین شده)} = \frac{\text{سود قبل از کسر بهره و مالیات (EBIT)}}{\text{هزینه های بهره}}$$

$$\text{نسبت پوشش هزینه های ثابت (بهره)} = \frac{\text{سود قبل از کسر بهره و مالیات (EBIT)}}{\text{هزینه های ثابت (بهره)}}$$

هر چه این نسبتها افزایش یابد، توان پرداخت بدهی واحد انتفاعی بیشتر است و وام دهندگان به اعطای وام به شرکت دارای نسبت پوشش بهره بالا راغب تر هستند.

د- نسبت های سودآوری

▶ از مهمترین دیدگاه های تحلیل گری مالی، تجزیه و تحلیل صورتهای مالی بر اساس دیدگاه سودآوری است.

نسبت های مهم سودآوری عبارتند از:

۱- بازده فروش (Return of Sales)

$$\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته - فروش خالص} \times 100 \quad \text{یا} \quad \frac{\text{سود ناویژه}}{\text{فروش خالص}} \times 100 = \text{حاشیه سود ناویژه}$$

$$\frac{\text{سود ویژه (عملیاتی)}}{\text{فروش خالص}} \times 100 = \text{حاشیه سود ویژه (عملیاتی)}$$

$$\frac{\text{سود قبل از کسر بهره و مالیات}}{\text{فروش خالص}} \times 100 = \text{حاشیه سود قبل از کسر بهره و مالیات}$$

$$\frac{\text{سود قبل از مالیات (EBT)}}{\text{فروش خالص}} \times 100 = \text{حاشیه سود قبل از مالیات}$$

$$\frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش خالص}} \times 100 = \text{حاشیه سود خالص}$$

$$\frac{\text{هزینه های متغیر - فروش خالص}}{\text{فروش خالص}} \times 100 = \text{نسبت حاشیه کمکی (نسبت حاشیه فروش به فروش)}$$

۲- بازده سرمایه گذاری (ROI) (Return on Investment)

$$(ROTC) = \frac{\text{سود قبل از بهره و مالیات}}{\text{متوسط (کل بدهی ها + حقوق صاحبان سهام) بازده کل سرمایه}} \times 100$$

$$(ROE) = \frac{\text{سود قبل از مالیات (EBT)}}{\text{متوسط حقوق صاحبان سهام بازده حقوق صاحبان (بازده سرمایه)}}$$

$$ROA = \frac{\text{سود خالص}}{\text{کل دارایی ها}} \times 100$$

ساختار ساده سرمایه

$$\text{Basic Earning Per Share (BEPS)} = \frac{\text{سود متعلق به سهامداران عادی}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام عادی}} = \text{سود هر سهم اولیه}$$

یا

$$\frac{\text{سود سهام ممتاز} - \text{سود خالص}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام عادی}} \times 100$$

ساختار پیچیده سرمایه

= سود هر سهم اولیه Primary Earning Per Share (PEPS)

صرفه جویی در هزینه بهره پس از احتساب مالیات + سود سهام ممتاز - سود خالص

تعداد سهام عادی تبدیلی از اوراق قابل تبدیل + تعداد سهام عادی

سود نقدی هر سهم (DPS) به شرح زیر محاسبه می گردد:

نسبت تقسیم سود (POR) × سود هر سهم (EPS) = سود نقدی هر سهم

یا

سود خالص نقد سهامداران عادی
= سود نقدی هر سهم
تعداد سهام عادی

تجزیه و تحلیل بهای تمام شده، حجم فعالیت و سود

طبقه بندی اقلام بهای تمام شده بر اساس گرایش اقلام بهای تمام شده، با عکس العمل آنها در مقابل تغییر حجم فعالیت ارتباط دارد. بر این اساس اقلام بهای تمام شده به ثابت، متغیر، مختلط، نیمه متغیر و نیمه ثابت طبقه بندی می گردد.

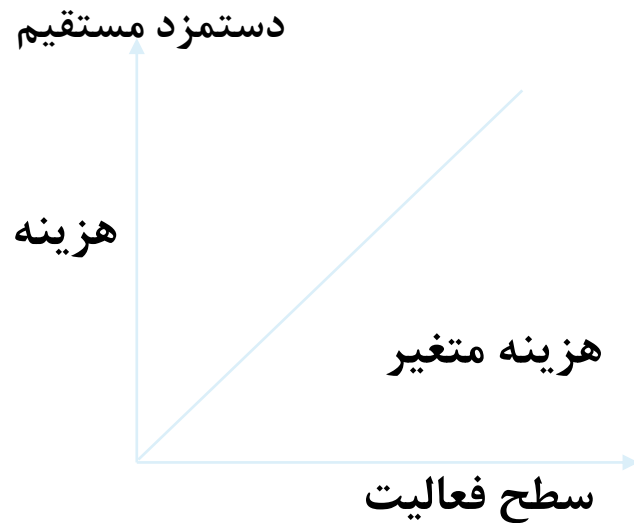
اقلام ثابت بهای تمام شده

هزینه ثابت عبارت از اقلامی است که با تغییر سطح فعالیت (نظیر تولید و فروش)، تغییر نمی کند. از آن جمله می توان: با هزینه استهلاک ساختمان کارخانه، استهلاک ماشین آلات، بهای آب، برق، سوخت و تلفن مربوط به کارخانه که به سطح تولید بستگی ندارد.



اقلام متغیر بهای تمام شده

هزینه های متغیر عبارت از اقلامی است که با تغییر در سطح فعالیت (تولید و فروش) تغییر می یابد.



اقلام مختلط بهای تمام شده

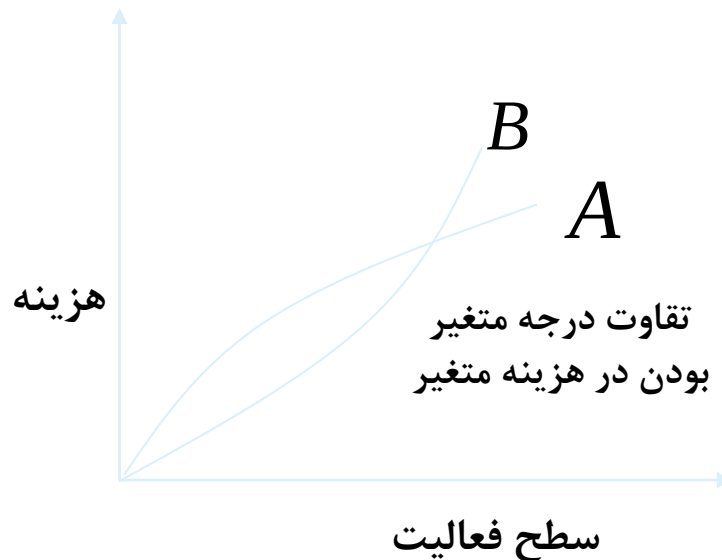
به اقلامی اطلاق می شود که گرایش های آن را نتوان با الگویی منحصر به فرد تشریح کرد. یعنی گرایش هزینه ثابت و هزینه متغیر را داراست، نظیر مخارج برق، نگهداری و دستمزد غیرمستقیم. اجاره + دستمزد



اقلام نیمه متغیر بهای تمام شده

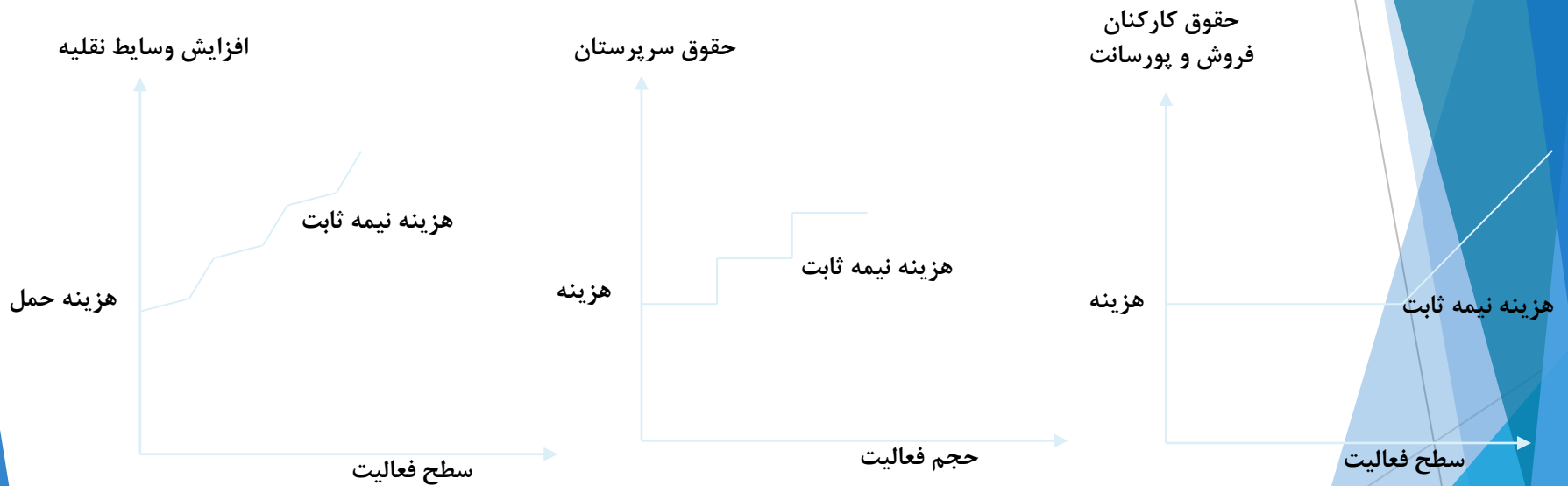
اقلامی هستند که با تغییر سطح فعالیت تغییر می یابند، اما نسبت به تغییرات ثابت، یکنواخت و مشابه نیست

A = نسبت نزولی و B = نسبت تصاعدی



اقلام نیمه ثابت بهای تمام شده

اقلامی هستند که با افزایش سطح فعالیت به صورت متناوب یا پله ای، افزایش می یابند و صعودی بودن آن به تناسب نیست.



روابط ریاضی گرایش های اقلام بهای تمام شده را می توان به شرح زیر تبیین کرد:

$$TC \text{ یا } Y = a$$

اقلام ثابت بهای تمام شده
 $= FC$

$$TC \text{ یا } Y = bx$$

اقلام متغیر بهای تمام شده
 $= VC.Q$

$$TC = \text{یا } Y = a + bx$$

اقلام مختلط بهای تمام شده
 $FC + V.Q$

یا

اقلام نیمه مختلط بهای تمام شده (نزولی)
اقلام ثابت $a =$

اقلام بهای تمام شده $y =$

اقلام متغیر $b =$

تجزیه و تحلیل نقطه سربسر

(Break-Even Point Analysis)

B.E.P روشی متداول جهت پیش بینی فروش و برنامه ریزی سود می باشد و عبارت است از حداقل سطح فعالیت (میزان تولید و فروش)، که در آن نقطه درآمد کل واحد انتفاعی با هزینه کل آن برابر باشد.

(تعداد تولید و فروش در نقطه سربسر (معادله شماره ۲)

$$Q = \frac{FC}{P - VC}$$

$$\text{تعداد تولید و فروش در نقطه سربسر} = \frac{\text{هزینه ثابت کل}}{\text{هزینه متغیر یک واحد - قیمت فروش خالص یک واحد}}$$

تجزیه و تحلیل نقطه سربسر خطی

در نقطه سربسر خطی فرض بر این است که اقلام هزینه به طور خطی و متناسب با افزایش سطح فعالیت تغییر می کنند، بدین ترتیب که با افزایش سطح فعالیت، افزایش می یابند. پس در این حالت گرایش اقلام بهای تمام شده با سطح فعالیت نسبت مستقیم دارد.

بررسی عوامل مؤثر بر نقطه سربسر

- الف - دستیابی به سود خالص معین
- ب - بررسی آثار تغییر ارقام ثابت بهای تمام شده
- ج - بررسی آثار تغییر ارقام متغیر بهای تمام شده
- د - بررسی آثار تغییر قیمت فروش
- هـ - بررسی آثار تغییر استراتژی مدیریت

اهمیت بودجه بندی سرمایه ای

تصمیم گیری و قضاوت در خصوص انواع سرمایه گذاری ها و انتخاب مناسب ترین شیوه سرمایه گذاری، از جمله اساسی ترین مباحث مدیریت مالی است.

فرایند بودجه بندی سرمایه ای

بودجه بندی سرمایه ای، فرایند ارزیابی سرمایه گذاری در دارایی های بلندمدت و انتخاب مناسب ترین آنها از طریق تجزیه و تحلیل مالی پروژه ها با استفاده از روشهای علمی و کاربردی است. مخارج سرمایه ای برای یک دوره بودجه برآورد و پیش بینی می گردد.

تعریف بودجه بندی سرمایه ای

بودجه بندی سرمایه ای عبارت است از فرایند ارزیابی مخارج سرمایه ای و انتخاب پروژه سرمایه گذاری که دستیابی به اهداف راتسهیل کند و بالاترین نرخ بازدهی را تأمین نماید و ارزش واحد انتفاعی را افزایش دهد.

گروه بندی اصلی	نام روش	فرمول محاسبه	ویژگی ها
روش های مبتنی بر تجزیل وجه نقد	نرخ بازده داخلی (IRR) ارزش فعلی خالص (NPV) شاخص سودآوری (PI)	ارزش فعلی جریان نقد خروجی = ارزش فعلی جریان نقد ورودی ارزش فعلی سرمایه گذاری اولیه - ارزش فعلی جریان نقد ورودی ارزش فعلی وجه نقد ورودی ÷ ارزش فعلی سرمایه گذاری اولیه	- به ارزش زمانی پول توجه دارد - عمر مفید در نظر گرفته می شود - وجوه حاصل دوره قبل، با نرخ بازده داخلی (Yield) با نرخ تأمین مالی (NPV) سرمایه گذاری می شود.
سایر روشها	دوره برگشت سرمایه (PP) معکوس دوره برگشت سرمایه (IPP) نرخ بازده حسابداری (ARR)	جریان نقد سالانه ÷ سرمایه گذاری اولیه دوره برگشت سرمایه ÷ ۱ متوسط سود بعد از مالیات ÷ متوسط سرمایه گذاری اولیه	- عمر مفید در نظر گرفته نمی شود - وجوه نقد تحصیل شده بعد از دوره بازیافت منظور نمی شود - کلیه ارقام اعم از نقد و غیر نقد مد نظر است. - هزینه استهلاک در محاسبات منظور می گردد
از روش های فوق NPV، PI و PP از بقیه روشها، کاربردی تر هستند.			

جمع بندی پرسش و پاسخ